

الگوی جامع برای شناخت مدیریت اسلامی

*روح الله تولایی

چکیده

شیوه‌های مدیریت و رهبری تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه یا تمدن می‌باشد. از همین رو چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده در جامعه، خود شیوه خاصی از مدیریت را اقتضا می‌کند. با عنایت به لزوم حاکمیت ارزش‌های الهی در سازمان‌های اسلامی، لازم است تا شیوه خاص مدیریت اسلامی نیز در آنها اجرا گردد تا به موفقیت‌های منحصر به فرد خود، که همان تعالی انسانی می‌باشد، دست یابند. در راستای نیل به این هدف و یافتن الگوی برای مطالعات مدیریت اسلامی، دفتر مطالعات مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) اقدام به برگزاری سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی نموده است که در این مقاله از ماحصل آن سلسله جلسات، و همچنین انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت اسلامی، به پیشنهاد الگوی جامع برای شناخت مدیریت اسلامی و تدوین اصول و مبانی آن پرداخته شده است. این مقاله پس از بیان تعاریف مختلف صاحب‌نظران از مدیریت اسلامی و جمع بندی آنها، در پاسخ به سؤال چیستی مدیریت اسلامی به ارائه یک تعریف جامع از مدیریت اسلامی می‌پردازد؛ و سپس با بررسی روش‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی و تلفیق و جمع بندی دیدگاه‌های مختلف مطرح شده در سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی، یک الگوی جامع را برای شناخت مدیریت اسلامی ارائه می‌نماید.

کلید واژه ها: علم مدیریت، مدیریت اسلامی، روش‌شناسی مدیریت اسلامی، منابع اسلامی، فلسفه مدیریت، تئوری‌های مدیریت.

مقدمه

ظهور سازمان‌های اجتماعی و گسترش روز افزون آنها یکی از خصیصه‌های بارز تمدن بشری است. به این ترتیب و باتوجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی و ویژگی‌ها و نیازهای خاص هر جامعه، هر روز بر تکامل و توسعه این سازمان‌ها افزوده می‌شود. بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهدافی طراحی شده و با توجه به ساختارش نیازمند نوعی مدیریت است. نا

گفته نماند که ظهور پدیده «اداره کردن» مربوط به روزگار اخیر نیست، بلکه از دیرباز، بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک «هدف» لازم است به بسیج امکانات و رهبری این امکانات به سوی آن هدف مشخص اقدام کند.

باید توجه داشت شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی بستگی به ساخت فرهنگی آن تمدن دارد. از جمله خاطره تلخ دانشمندان اروپا از دادگاه‌های تفتیش عقاید و بیم از تکرار مطالعات مدرسه‌ای باعث شد تا تحلیل مبتنی بر تجربه صرف بشری پس از رنسانس بر روح تحقیق در غرب حاکم گردد و سرانجام انسان نیز به عنوان یکی از عامل تولید در ردیف ماشین و دیگر منابع به شمار آید؛ یعنی انسانی که خود خالق ماشین است، در نظام ارزشی غرب، هم سطح مخلوق و گاه در آثار بعضی از متفکران، حتی در سطحی پست‌تر از ماشین جای گرفت، و این بسیار شگفت آور است. (رضاییان، 1380، ص 4)

امروزه اگر چه مطالعات انسان شناسی، بعضی از صاحب‌نظران غربی را متوجه این امر کرده است که در تحلیل‌های «مهندسی انسانی»، انسان را تنها به عنوان یک عامل صرف محسوب نکنند، اما متأسفانه همچنان صدای خرد شدن ارزش‌های فطری انسان در لابلای چرخ‌های ماشین‌نویسی غربی و شرقی طنین انداز است. یکی از پیامدهای مهم درهم ریخته شدن نظام ارزشی غرب، حاکم شدن مکتب اصالت نفع بر روند فعالیت‌های اقتصادی و تولید است؛ معتقدین به این مکتب یک عمل را تا آنجا درست قلمداد می‌کنند که برای فرد یا افرادی، بیشترین خوشی و آسایش را به وجود آورد. به بیان دیگر، ملاک درستی یک عمل نتایج آن است نه شیوه انجام آن عمل؛ در واقع طرفداران این اندیشه، چهره اصلی هر عمل را که همانا انگیزه آن می‌باشد، بی‌بها جلوه داده‌اند. بدیهی است در این مکتب میزان درستی نتیجه بستگی به میزان سوددهی آن دارد. بدین سان این تمدن بعد از انقلاب صنعتی به یک تمدن سود انگار تبدیل شد و در نتیجه زندگی بشر در غرب، صحنه رقابت تمام عیار سود محوری شده است. (رضاییان، 1382، ص 5) روشن است که اصول مدیریت حاکم بر چنین جوامعی را نمی‌توان مطلق پنداشت و یا کاربرد تمامی آن اصول را در جوامع مختلف مجاز دانست. اگر چه به کارگیری تئوری‌های غربی مدیریت که با آموزه‌های الهی تعارضی ندارند، و به جهت رفع حاجات علمی کشور می‌باشد، خالی از اشکال است، منتها اصل بر تدوین اصول مدیریت بر مبنای ارزش‌های الهی است که ما آن را علم مدیریت اسلامی می‌نامیم.

آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی می‌باشد، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح جامعه (مدیریت و

رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد که نمونه آن در تغییر نوع نگاه به انسان ها در سازمان، از نگاه منابع به انسان در کنار دیگر منابع سازمانی، به نگاه سرمایه ارزشمندی که با پرورش آن مسببات خلاقیت و نوآوری در سازمان فراهم خواهد شد.

در عین حال ذکر این نکته نیز ضروری است که این امر با به کارگیری اصولی که در علم مدیریت از نظر صاحب نظران غربی ارائه شده است، منافاتی ندارد. منتها اگر سازمان ها بخواهند اهداف و ماموریت خود را تنها در دستیابی به منافع کمی مادی تعریف کنند، به مرور زمان پس از دستیابی نسبی به آنها، دیگر برای ادامه فعالیت سازمان خود و فلسفه وجودی خود دچار تردید خواهند شد.

شاهد بر این مدعا هم تغییر رویکرد بسیار مهم در ادبیات امروزه مدیریت استراتژیک سازمان ها در دنیا می باشد. امروزه سازمان های بزرگ دنیا به جای آنکه اهدافی را برای خود تعیین کنند و به دنبال تدوین راهبردهایی برای رسیدن به آن باشند، ارزش هایی را برای سازمان خود تعریف می کنند و ماموریت سازمان را پیاده کردن آن ارزش ها در سازمان تعریف می کنند. برای مثال اگر سازمانی صرفاً به دنبال افزایش درآمد سهامداران و صاحبان خود باشد، ارزش خود را "بالا بردن نسبی قیمت هر سهم سازمان" تعریف می کند و تمام ارکان سازمان به دنبال پیاده سازی این ارزش در سازمان می باشند.

ما در مدیریت اسلامی مدعی هستیم که با نگاهی جامع به تمام ابعاد وجودی انسان و با مد نظر قرار دادن تمام نیازهای او (با در نظر گرفتن اولویت بندی نیازها)، می خواهیم ارزش هایی را برای سازمان تعریف کنیم که با توجه به فلسفه وجودی و رسالت هر سازمان، آن را به موفقیت های منحصر بفرد و متعالی برساند.

شناخت مدیریتی اسلامی و روش شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی جهت کاربردی کردن مفاهیم و اصول آن برای سازمان های اسلامی، بحثی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. تاکنون تلاش های زیادی جهت شناخت و معرفی مدیریت اسلامی صورت پذیرفته است، منتهی هنوز به الگویی جامع، اثبات شده و کاربردی که مورد قبول دانشمندان علم مدیریت و اساتید حوزه علمیه باشد دست پیدا نشده است. در همین راستا این مقاله به پیشنهاد الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی می پردازد تا با اصلاح و اثبات آن در تحقیق های بعدی به مبنایی جهت کاربردی ساختن مدیریت اسلامی تبدیل گردد. (سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی، 1385)

اهمیت و ضرورت مدیریت اسلامی

ضرورت جایگزین کردن مبانی و اصول مدیریت اسلامی به جای مدیریت فعلی، از دو جنبه قابل بحث و بررسی می باشد.

تعاریف مدیریت اسلامی

نویسندگان و صاحب نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه‌های اسلام در مورد مدیریت قلم زده‌اند هر یک به فراخور برداشت‌های خود از اسلام، مبانی اخلاقی، و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده‌اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می‌شود. البته دامنه این برداشت‌ها و تعاریف‌ها (که بیشتر بر محور ارزش‌ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته‌اند) گسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین نزدیک به هم بودن) متنوع است، در ادامه به تعدادی از تعاریف‌های ارائه شده در مورد مدیریت اسلامی اشاره می‌شود:

افجه‌ای مدیریت اسلامی را مقوله‌ای مکتبی می‌داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او ارائه راه‌حلی است که با مفهوم عدالت خواهی سازگار است (افجه ای، 1377، ص 22). حمیدی‌زاده نیز معتقد است که نظام مدیریت در تفکر اسلامی از اصول اعتقادی آن سرچشمه می‌گیرد و بنابراین، مدیریت بر یک مجموعه انسانی و در یک سازمان در راستای مدیریت جهان خلقت است، با این ویژگی، وی مدیریت را به عنوان یک بینش مطرح می‌کند که در آن مدیر نیز عضوی از اعضای آفرینش است که باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی آن باشد زیرا تشکیلاتی که به وی سپرده شده، هدفش در جهت نظم کلی جهان و برای پیشبرد فعالیت‌های بشری به منظور دستیابی به سطوح آرمانی است (حمیدی زاده، 1378، ص 2). عسگریان مدیریت از دیدگاه اسلام را در مسیر نزدیکی به خداوند می‌داند. بدین معنی که در کلیه سطوح آن زهد و تقوی پیشه می‌شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می‌یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می‌شود (عسگریان، 1370، ص 52). مشرف جوادی معتقد است در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با خدا و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن وی و شهادت به یگانگی، یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او منظور است (مشرف جوادی، 1378 ص 11)، «مدیریت در اسلام» بدون در نظر گرفتن اعتقاد به معاد و یا دنیای دیگر ناقص است. در واقع مطلب و مسایل مدیریت در اسلام، جدا از دنیای دیگر همان مدیریت غربی است (مشرف جوادی، 1378، ص ج)، هنگامی که صحبت از مدیریت در اسلام می‌شود، ابتدا منظور اداره امور و بهره‌برداری صحیح از نعمت‌های الهی بر اساس اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی است، یعنی کلیه اعمال و رفتار انسان‌ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان‌بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می‌کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان‌بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد (مشرف جوادی، 1378، ص 3). هاشمی رکاوندی نیز مدیریت در اسلام را در اصل بر مبنای کلامی و عقیدتی ملهم از قرآن و سنت‌نبی (ص) استوار می‌داند (هاشمی رکاوندی، 1379، ص 76). تقوی دامغانی بدون این که از مدیریت اسلامی تعریفی ارائه دهد در مورد چستی مدیریت توضیحی داده و به امانت بودن، تکلیف بودن، خدمت بودن و مواردی از این قبیل اشاره کرده است و سپس

به توضیح نقش مدیر در جوامع اسلامی پرداخته است (تقوی دامغانی، 1378). نبوی مدیریت اسلامی را این چنین تعریف کرده است، مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، 1380، ص 33). قبادی نیز مدیریت اسلامی را آن بخش از «مدیریت» و فرآیند آن می‌داند که مستند به وحی الهی و منابع اسلامی باشد و وجه تمایز آن با دیگر مدیریتها را در مبتنی بودن بر وحی، نبود نظام بهره‌کشی انسان از انسان، مبتنی بودن بر ارزشهای متعالی، مطلق و ثابت و استوار بودن بر پایه تعالی، کرامت و شرافت انسانها می‌داند. (قبادی، 1378، ص 12)

روش شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی

روش تحقیق در مدیریت اسلامی

یکی از روش‌های تحقیق در مدیریت اسلامی می‌تواند از طریق آنالیز واژگانی مدیریت اسلامی صورت پذیرد. در این روش ابتدائاً تمامی اجزاء مورد بحث در مدیریت اسلامی طبق الگویی جامع مشخص می‌گردد و سپس با تبیین جایگاه هر یک از اجزاء و تبیین روابط بین خود اجزاء؛ مدل کاملی از تدوین مدیریت اسلامی جهت ارائه چهارچوب مشخص برای تحقیق در این علم ارائه خواهد شد.

مدیریت اسلامی از ترکیب دو واژه "مدیریت" و "اسلامی" شکل گرفته است. اجزاء کاربردی علم مدیریت شامل 5 مرحله اصلی برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل به همراه یک نظام بازخورد می‌باشد.

واژه دوم در مدیریت اسلامی، اسلام می‌باشد. همانطور که علم مدیریت خود از اجزای متعددی تشکیل شده است که اگر هر کدام از آن اجزاء در مطالعات و تحقیقات مورد توجه قرار نگیرد نتیجه حاصل از آن تحقیق جامع علم مدیریت نخواهد بود؛ برای اسلامی بودن نتایج حاصله بایستی اجزای دین مبین اسلام و روابط بین آن اجزاء را شناخت تا نتیجه حاصل از تحقیق را بتوان حقیقتاً اسلامی نامید.

اسلام متشکل از 4 جزء اصلی می‌باشد که عبارتند از قرآن، روایت، سیره ائمه اطهار(ع) و بزرگان اسلامی، و عقل. برای تدوین الگوی مطالعاتی مدیریت اسلامی لازم است تا به طور جامع در تمام اجزای ذکر شده تحقیق صورت پذیرد و سپس با تعریف روابط بین آنها به خروجی علم مدیریت اسلامی نائل آییم.

الگوی تدوین مدیریت اسلامی

مروری جامع در مطالعاتی که در حوزه مدیریت اسلامی انجام شده است نشان می‌دهد که هر کدام از آنها تنها از یک یا دو جنبه خاص به مدیریت اسلامی پرداخته‌اند، به همین دلیل هم غالباً به اصول و مبانی کاربردی دست پیدا نکرده‌اند و به جز مواردی که توصیه‌های اخلاقی در مورد شخص مدیر بیان شده است، برنامه‌ها و راهکارهای روشنی ارائه نشده است.

برای به نتیجه رسیدن این مطالعات و پژوهش‌ها نیاز به تدوین یک الگوی جامع با خروجی‌های مشخص می‌باشد. بدین منظور پس از برگزاری نشست‌هایی در حدود دو سال با عنوان «مدیریت اسلامی» توسط دفتر مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) و دعوت از اساتید و صاحب‌نظران این حوزه، یک الگوی جامع برای شناخت مدیریت اسلامی تدوین گردید که در نمودار شماره 1 نشان داده شده است. بر اساس این الگو مطالعات علم مدیریت اسلامی به صورت کلی به دو حوزه مطالعات محتوایی و حوزه مطالعات ساختاری تقسیم می‌شود. در حوزه محتوایی به دنبال بررسی جامع تمام منابع مدیریت اسلامی می‌باشد.

در این حوزه تمام منابع موجود مدیریت اسلامی را به 4 گروه زیر تقسیم می‌کند:

1- منابع قرآنی

2- منابع روایی و حدیثی

3- منابع فلسفی اسلامی

4- منابع تاریخی و سیره

در حوزه مطالعات ساختاری هم جهت تدوین اصول و مبانی مدیریت اسلامی، می‌باید مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز در 3 گروه زیر انجام پذیرد.

1- غرب شناسی

2- فلسفه مدیریت غربی

3- تئوریها و نظریه‌های مدیریت

الف) حوزه محتوایی مدیریت اسلامی

در این حوزه با یک رویکرد جامع و سیستمی، می‌توان منابع اطلاعاتی مورد استفاده در علم مدیریت اسلامی را به 4 گروه زیر تقسیم‌بندی نمود:

1- منابع قرآنی

2- منابع روایی و حدیثی

3- منابع فلسفی

4- منابع تاریخی و سیره

1- منابع قرآنی

هر موجودی در عالم طبیعت، موجودی زمانی- مکانی است، پس برای مطالعه وجه مادی هر پدیده باید به زمان و مکان آن پدیده عنایت نمود. لذا برای درک شان قرآن و سنت معصومین (ع) از حیث چگونگی صدور، ویژگی‌ها و چگونگی فهم و عمل به آنها باید به نقش زمان و مکان در آنها توجه نمود.

با این مقدمه، قرآن به طور عام، و قصص قرآن و موارد بحث از اعمال مدیریت الهی و کارگزاران عالم در قرآن به طور خاص، یکی از حوزه‌های مهم و ضروری تحقیق در مدیریت اسلامی می‌باشند. علاوه بر آن، توجه به کلید واژه‌های مدیریت و مشتقات آن در قرآن همچون تدبیر، تدبیر، ملک، امر، ولایت، رشد، هدایت، رسالت، تربیت، و توجه به صفات خداوند و مدیریت‌های الهی در قرآن، راهنمای شناخت حوزه‌های خاص مدیریتی قرآن خواهند بود.

احادیث وارد شده در تفسیر آیات فوق و همچنین رجوع به تفاسیر تحلیلی معتبر قرآن، منابع غنی دیگری برای مدیریت اسلامی هستند که در این گروه قرار می‌گیرند.

در خصوص این بند از مقاله موارد زیر می‌تواند در فهم قرآن کریم و برداشتهای عملی مورد نیاز از آن کمک کند:

1- مطالعه تاریخ صدور قرآن و کتابت و آموزش و کیفیت جمع‌آوری و تدوین آن، یکی از مقدمات ارزشمند در فهم پیام قرآن می‌باشد.

2- توجه به ویژگی نظارت قرآن بر نهضت اسلامی پیامبر (ص)، در عین ابدی بودن آن، خود یکی از مظاهر اعجاز قرآن را برای ما آشکار می‌سازد و به فهم صحیح ما کمک می‌کند.

3- توجه به امرمکی و مدنی بودن آیات، ما را به دو دوره بسیار مهم نهضت اسلامی پیامبر (ص)، واقف می‌گرداند:

الف) دوره قبل از حکومت اسلامی

ب) دوره بعد از حکومت اسلامی

دوره اول، دوره کادرسازی و تربیت نیروهای مکتبی کارآمد، و دوره دوم، دوره تشکیل حکومت و بکارگیری نیروها و چگونگی اداره نظام اسلامی، می‌باشد.

4- توجه به ترتیب نزول آیات و سوره‌ها، شأن نزول و شأن جری و تطبیق در آیات، فضای اجتماعی زمان نزول آیات و جو بین‌المللی زمان نزول آیات، ما را با حقایق مکنون بسیاری در امر مدیریت و رهبری، و فهم و اجرای وحی الهی آشنا خواهد نمود.

5- توجه به ویژگی تربیتی، اعتقادی و معنوی نیروها و مراحل آن در دوره اول، و نزول تدریجی حجم کثیری از آیات و احکام عبادی در دوره دوم، سیاستگذاری‌های خرد و کلان الهی و نحوه مرحله‌بندی اجتماعی در مسیر حرکت بر اساس ارزش‌های الهی را برای ما آشکار می‌نماید.

6- توجه به زمان و مکان صدور آیات محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، جمل و مبین، ناسخ و منسوخ و غیره، ما را در نحوه تقنین قوانین و اجرای آن، توانا می‌گرداند. بخصوص پدیده «فسخ»، و پدیده تاخیر صدور بعضی از احکام عملی از زمان تشکیل حکومت اسلامی، ما را به ویژگی بعضی از معضلات اجتماعی، و نحوه حل و فصل آن، آگاه می‌گرداند.

7- معاشرت با اقشار مختلف، و تجربه مستقیم موضوعات قرآنی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی، ما را با خصوصیات موضوعات واقف نموده، فهم صحیح احکام آنها را از قرآن، برای ما میسر می‌نماید.

فقدان این معاشرت و تجربه، ما را به افراط و تفریط در فهم احکام کشانده، موجب عسر و حرج، و یا راحت طلبی خواهد شد.

(نقی‌پور، 1381، ص 6)

2- منابع روایی و حدیثی

منظور از منابع روایی و حدیثی مجموعه سخنان، عملکردها و سکوت‌های معنی‌داری می‌باشد که به «قول و فعل و تقریر» نیز موسوم است.

همه ویژگی‌های مورد عنایت به قرآن، در سنت معصوم (ع) نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد؛ علاوه بر آن در فهم منابع روایی و حدیثی توجه به نکات زیر بسیار کمک می‌نماید:

1- میزان فهم مخاطب حدیث، در کیفیت و سطح صدور سنت، بسیار قابل توجه است:

«نحن معاشر الانبياء نكلم الناس على قدر عقولهم»

«ما جماعت انبياء، با مردم به میزان عقلشان سخن می‌گوییم»

2- قصد و غرض مخاطب معصوم (ع)، بخصوص مخاطبین اهل بیت (ع)، در اعتبار و عدم اعتبار حدیث بسیار دخالت دارد که در اصطلاح به آن «جهت صدور حدیث» گفته می‌شود، صدور احادیث تقیه‌ای از این قبیل می‌باشد که عمدتاً به دوره اهل بیت (ع) بعد از پیامبر (ص)، تعلق دارند.

3- ضرورت اداره حکومت، و رهبری و هدایت مردم، گاه اقتضای فرامینی مقطعی شبیه به آیات نسخ را دارد که باید آنها را از سنت ابدی معصوم، تفکیک نمود. خلط این دو دسته سنت، نتایج بسیار غلطی را پدید خواهد آورد که گاه موجب برداشت تعارض در احادیث و در نتیجه به بن بست رسیدن در فهم آن خواهد شد.

4- جواز پدیده «نقل به معنا» به علت طبیعت خطا و نسیان انسانی در سنت قولی معصوم (ع) که مهم‌ترین و گویاترین گزارش از سنت معصوم (ع) می‌باشد، و مشروعیت گزارش حدیثی تنها یک فرد راستگو، با وجود جائز الخطا بودن، و احتمال بروز خطا در سلسله نقل‌ها، و احتمال رعایت زمان و مکان خاص مخاطبین از جانب معصوم (ع) و احتمالات دیگر، همه و همه، محوریت قرآن و تبعیت حدیث از قرآن را تأکید می‌کند که باید در تفکر دینی و پژوهش‌ها، از قرآن شروع کرد، و حدیث را از دریچه تفکر قرآنی نگریست و از این راه به پذیرش یا رد حدیث اقدام نمود.

5- پراکندگی صدور احادیث به علت دخالت زمان و مکان (محدودیت مخاطبین، شرایط خاص اجتماعی و ...) و انسجام و جامعیت دینی قرآن به علت حکومت وجه ابدی آن در بیان مسائل، و ارتباط مفهومی و نظام‌مند بیانات قرآنی همچون اجزاء یک پیکر واحد، و تنظیم الهی آیات و سوره قرآنی در این راستا، همه و همه، ضرورت تمرکز و محوریت قرآن را بخصوص در سیاستگذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و میان‌مدت، و طراحی ساختار اداری، اجتماعی، سیاسی نظامی حکومت، مطرح می‌نماید. در این جهت، توجه به نظام ترتیب آیات و سوره، در کنار پژوهش موضوعی قرآن، ما را با حقایق مکنون بسیاری، آگاه خواهد ساخت.

6- توجه به اندیشه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی اهل سنت، و گروه‌های مخالف اهل بیت (ع) در عصر ائمه اطهار (ع)، ما را در فهم خصوصیات موضوعات، و خصوصیات احکام آنها در سنت معصوم (ع)، واقف می‌گرداند.

7- هیچ منبعی از احادیث منتسب به اهل بیت (ع)، بی‌نیاز از ارزیابی سندی نیست، مگر احادیثی که در حد تواتر لفظی، معنوی و اجمالی باشند؛ که تواتر یقین‌آور آنها، ما را از تحقیق اسنادشان، بی‌نیاز می‌گرداند. با این توصیف، بطریق اولی، احادیث وارده از طریق اهل سنت، علاوه بر متن، اسنادشان نیز، نیازمند ارزیابی، می‌باشد. البته قوت محتوی و بلاغت کلام در بعضی از متون، همچون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، ما را از تحقق سندی اکثر محتویات قریب به اتفاق آنها، بی‌نیاز می‌گرداند.

8- استفاده از معجم‌های قرآنی و حدیثی در یافتن حوزه‌های بحث بسیار مفید می‌باشد. این معجم‌ها معمولاً بر اساس الفاظ قرآن و حدیث و یا بر اساس موضوعات تنظیم گشته‌اند.

3- منابع فلسفی اسلامی

برخی منابع که مربوط به چیستی و چرایی و فلسفه علم مدیریت اسلامی می‌باشد توسط اندیشمندان اسلامی در قرون متمادی تدوین گشته است. این منابع فلسفی می‌تواند ما را در رسیدن به الگوی اولیه و چارچوبی برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی منابع حوزه‌های دیگر راهنمایی نماید. به همین جهت ضرورت آن در تدوین مدیریت اسلامی احساس می‌گردد.

4- منابع تاریخی و سیره

بخشی از منابع مدیریت اسلامی مربوط به منابع تاریخی و اندیشه‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی می‌باشد. منابع موجود از سیره نظری و عملی معصومین (ع)، انبیاء و اوصیاء الهی نیز در این حوزه قرار می‌گیرند.

قسمتی از منابع این حوزه در کتب تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است، قسمتی دیگر از آن در تفاسیر روایی و قسمتی از سیره‌های عملی به طور خاص، در کتبی حدیثی همچون «بحارالانوار» علامه مجلسی، و به طور عام مجموعه‌های حدیثی شیعه همچون «وسائل الشیعه»؛ و از مجموعه‌های حدیثی اهل سنت همچون «کنز العمال» علاءالدین فاضل هندی می‌باشد. کتب موجود خاص سیره پیامبر اکرم (ص) و سیره اهل بیت (ع) همچون «سیره رسول الله» ابو محمد عبدالملک بن هشام و «سیره نبوی (منطق عملی)» مصطفی دلشاد تهرانی منابع غنی دیگری در این زمینه می‌باشد.

ب) حوزه ساختاری مدیریت اسلامی

1- غرب شناسی

تمدن کنونی غرب و پیشرفت‌های شگرف آن در حوزه‌های علمی و تکنولوژیکی، من جمله در علم مدیریت، حاصل یک حرکت پانصد ساله (از قرون وسطی تا کنون) می‌باشد. از طرفی فهم جریان‌شناسی یک علم به دلایل متعددی بر فهم خود آن علم تقدم و ضرورت دارد؛ زیرا اولاً جایگاه تاریخی و سیر آن علم (تکاملی یا غیرتکاملی) بهتر فهم می‌شود؛ ثانیاً با توجه به ریشه‌داربودن تمام علوم، فهم جریان‌شناسی یک علم باعث می‌گردد گام و مرحله بعدی آن به‌گونه‌ای بهتر پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و محاسبه شود؛ ثالثاً فهم نسبت تاریخی یک علم با علم محوری، درجه اصالت و اعتبار آن علم را معین می‌کند. این نگاه‌های کلان به اندیشه‌های تاریخی، باعث می‌شوند حتی فهم تئوری‌های جزئی آن علم شفاف‌تر و بهتر صورت گیرد. لذا آشنایی با سیر زمانی این تمدن و تکامل علوم مقدمه فهم فلسفه علوم غربی و مقدمه‌ای برای بهره‌مندی از راه‌های رفته شده در حوزه‌های مختلف علم می‌باشد.

2- فلسفه مدیریت غربی

مدیریت اسلامی از دو جنبه نیاز به بهره‌مندی از علم مدیریت غربی دارد. اولاً برای سرجمع کردن، مدون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن منابع خام موجود در مدیریت اسلامی، به یک تفکر و تجربه‌ی علمی احتیاج است، ثانیاً برای استفاده از مواد و پایه‌هایی که دانشمندان غربی در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی نیاز می‌باشد. البته گرفتن پایه‌های یک علم، لزوماً به معنای قبول تمام نتایج آن نیست. لذا برای دریافتن سیر پیشرفت علم مدیریت و چارچوبی که در غالب آن تئوری‌های جدید در حوزه‌های مختلف علم مدیریت مطرح می‌شود، لازم است تا با فلسفه به وجود آمدن علم مدیریت در غرب آشنایی پیدا شود. فلسفه مدیریت غربی در نهایت چارچوبی می‌دهد تا به وسیله آن بتوان منابع مدیریت اسلامی مدون و نظام‌مند شده و جنبه کاربردی پیدا کند.

3- تئوری‌های مدیریت

برای درک بهتر و عملی چارچوب اصول و مبانی علم مدیریت غربی لازم است تا در ابتدا با تمام نظریه‌ها و تئوری‌هایی که در این چارچوب مطرح شده است آشنایی پیدا شود. همچنین مقدمه تولید علم و گسترش مرزهای دانش، فراگیری علوم تا سر حد مرزهای موجود می‌باشد. لذا برای تدوین علم مدیریت اسلامی آشنایی با تئوری‌های مدیریت امری ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

همانطور که در مقدمه اشاره شد، شیوه رهبری و مدیریت تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه (تمدن) است و بدیهی است چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده یک جامعه، خود نوع خاصی از نظام ارزشی و شیوه خاص مدیریت را اقتضا می‌کند.

در جوامع غربی، به علت بافت مادی صرف، غالباً ارزش‌گذاری‌ها بر پدیده‌های حیات انسانی، مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و معانی اومانستی است و انسان‌شناسان اومانست در نظریه‌های خود، به دلیل بی‌بهرگی از مکتب وحی تصویرگر انسانی هستند که هاله‌ای از توهمات بشری، پیرامون او را گرفته است؛ گاه او را موجودی بدذات و گاه او را موجودی خوش ذات و ... معرفی می‌نماید و چون در این تئوری‌های انسان‌شناسی، انسان همچنان موجودی است مجهول، بالطبع می‌بینیم که جوامع مغرب‌زمین گرفتار نسبیّت در مفاهیم ارزشی گشته‌اند یعنی: تحلیل‌های آنها در تعیین میزان و نوع ارزش «پدیده‌ها» تابعی از وضعیت زمان و مکان موجود است، و آشکار است که نقش اصلی را در این رابطه قدرت‌های غیر الهی مسلط بر این جوامع دارند.

از طرف دیگر، جوامع کمونیستی اصالت را به جامعه داده و فرد را فدای طبقه خاصی می‌کنند (بدیهی است که اگر چه در شعارها این منافع را منافع طبقات زحمتکش قلمداد می‌نمایند ولی عملاً این شعارها در جهت خواسته‌های هیات حاکمه شده است).

در مکتب اسلام بر خلاف دیگر مکاتب، ارزش‌ها نسبی نیست و زمان و مکان در تبدیل مفاهیم ارزشی دخیل نیستند، این امر از اینجا ناشی می‌شود که واضع ارزش‌ها در مکتب اسلام، تعقل ناقص بشری نیست، بلکه واضع خداوندی است حکیم و علیم، پروردگاری که علم اوسرمدی است؛ بنابراین نظام ارزشی اسلام که تعیین‌کننده مقبولیت یا عدم مقبولیت یک فعل از دیدگاه خداوند است، در نزد مسلمانان (شیعه)، بر مبنای منابع مشخص تدوین گشته است. در این نظام ارزشی، هم فرد، حقوقی دارد و هم جامعه (اصالت توأمان فرد و جامعه) بنابراین نمی‌توان هیچ یک را فدای دیگری کرد.

با عنایت به تفاوت ماهوی نظام ارزشی در اسلام، لازم است تا شیوه رهبری و مدیریت خاص در دولت‌های اسلامی تدوین گردد. برای دستیابی به این مهم به نظر می‌رسد لازم است تا یک تغییر رویکردی در مطالعات و نظریه پردازی‌های این شاخه از علم صورت گیرد و اندیشمندان و صاحب‌نظران با نگاه جامع و سیستمی، تمام جنبه‌های مدیریت اسلامی را که در این مقاله

از آنها به ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدیریت اسلامی یاد شده است، در تعامل با یکدیگر مدنظر قرار دهند تا خروجی‌ها و تئوری‌های حاصل از آن به صورت کاربردی در دولت‌های اسلامی قابل اجرا باشد.

در نهایت خروجی‌های کاربردی مدیریت اسلامی بر اساس مدل ذکر شده در این مقاله به دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل حوزه‌های بومی سازی علوم روز دنیا در علم مدیریت می‌باشد که به آن مدیریت اسلامی نیز اطلاق می‌شود. دسته دوم حوزه‌های خاص مدیریت اسلامی می‌باشد. تولید علم از دل منابع اسلامی به وسیله چارچوب دادن به آنها و نظام مند کردن منابع اسلامی می‌باشد. به طور مثال حوزه‌هایی مدیریت عدالت در سازمان، مدیریت تغذیه در سازمان، و مدیریت جنسی در سازمان می‌توانند خروجی‌های این دسته از مطالعات مدیریت اسلامی باشند که متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی ما و قابل ارائه به تمامی مجامع علمی دنیا نیز خواهد بود.

منابع و ماخذ

- ابطحی، سید محمد تقی (1384)، "درآمدی بر روش شناسی مدیریت اسلامی"، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره 45.
- حمیدی زاده، محمدرضا (1378)، "تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره 20.
- دفتر مطالعات مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) (1385)، "سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی"، چاپ نشده.
- افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر (1377)، "مدیریت اسلامی"، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تقوی دامغانی، سیدرضا (1378)، "نگرشی بر مدیریت اسلامی"، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- رضاییان، علی (1382)، "اصول مدیریت"، تهران، انتشارات سمت.
- عسگریان، مصطفی (1370)، "مدیریت اسلامی"، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- قبادی، اسماعیل (1378)، "اصول و مبانی مدیریت اسلامی"، قم، انتشارات فقه
- قرآن کریم (1368)، تهران، خط عثمان طه، انتشارات اسوه.
- مشرف جوادی، محمدحسین (1378)، "اصول و متون مدیریت در اسلام"، همدان، انتشارات نور علم.
- نبوی، محمدحسن (1380)، "مدیریت اسلامی"، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نقی پور، ولی الله (1381)، "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن"، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی (1379)، "رهبری و مدیریت روابط انسانی و سازمانی در ایران، اسلام و غرب" انتشارات باطن، چاپ اول.